

📌 بازسازی برده‌داری مدرن در نظام بین‌المللی

▼ نگرش سوم در مطالعات نظم جهانی، که غالباً متفکران مارکسیست آن را مطرح کرده‌اند، معطوف به مقوله‌ی اقتصاد است. این نگرش بر این نکته تأکید دارد که ماهیت نظامی که در یک فرآیند تاریخی شکل گرفته و در برهه‌ای از زمان خود را در سیمای واقعیت‌های محسوس و ملموس جهانی آشکار نموده است، تابع ساختارهای اقتصادی است؛ مهم‌ترین کارکردی هم که نظم جهانی دارد، کارکرد اقتصادی است. طرف‌داران این رهیافت معتقدند اگرچه بعد ساختاری و فرآیندی در شکل‌گیری نظام بین‌الملل حائز اهمیت است، اما مهم‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین بعد، معطوف به هدفی است که اساساً نظم به‌خاطر آن شکل گرفته است. این هدف در نظم فعلی، حفظ و بسط و توسعه‌ی اقتصاد سرمایه‌داری در جهان است.

▼ اگرچه این نظام نو در ظاهر آزادی را برای شهروندانش به ارمغان آورده است، اما در باطن، با حاکم‌ساختن یک سیستم پیچیده‌ی اقتصادی، کار انسان‌ها را به کالا تبدیل نموده و به استثمار کم‌دردسترتر این کالای پرارزش می‌پردازد. تفکر سرمایه‌داری در دوران مدرن، شکل بازسازی‌شده‌ی برده‌داری سنتی است؛ همان‌گونه که در نظام برده‌داری قدیم، جان و مال انسان‌ها تحت تملک تعداد محدودی از برده‌داران قرار می‌گرفت، در نظام سرمایه‌داری نیز «کار» و «تولید» و «ارزش‌افزوده»‌ی انسان‌ها در اختیار عده‌ی معدودی از سرمایه‌داران جهانی قرار می‌گیرد.

▼ به عبارت دیگر، نظام سرمایه‌داری به جای این‌که انسان را به‌عنوان کالا به اسارت خود درآورد، جنبه‌های مفید و پرسود انسان، یعنی کار و ارزش‌افزوده‌ی کار او را در سیستم خود به خدمت گرفت و جنبه‌های چالش‌زای او را به خود ایشان و نهاد. از آن جایی که در این سیستم جهانی، ثروت و سرمایه و ابزارهای تولید در دست مالکان باقی مانده و انحصار جدیدی را رقم زده است، برده‌های آزادشده‌ای که شهروندان این نظام محسوب می‌شوند، باز هم ناگزیرند برای تمشیت امور زندگی در استخدام اربابان تغییرچهره‌داده‌ی خود باقی بمانند؛ بی‌آن‌که دست به شورش بزنند یا هزینه‌های زندگی روزمره‌شان را بر آن‌ها تحمیل نمایند.